

قراردادِ ننگین و روس منحوس!

زخمِ روانی ملی

در یادکرد از قرارداد ترکمانچای نه تنها در روزنامه‌ها و گفتارها همواره چنین نوشته یا گفته می‌شود که؛ روسِ منحوس قرارداد ننگین ترکمانچای را گردنبارِ دربارِ ناشایستِ ایران کرد. این گونه نوشتن و گفتن به تاریخنگاری دانشگاهی هم راه یافته است. نخستین نکته ای که باید به دیده گرفت آن است که در تاریخنگاری علمی نه چیزی ننگین خوانده می‌شود و نه خوب.

با قرارداد ترکمانچای بخشهایی از خاک ایران جدا شد و به دست روسیه تزاری افتاد. اینک باید پرسید؛

- آیا بی آنکه جنگی روی دهد ایران بخشی از خاک خود را به روسیه واگذار کرد؟

جنگی روی داد و روسیه برنده شد.

- این جنگ را ایران آغاز کرد یا روسیه؟

ایران.

(ایرانیان این جنگ را به آرزوی بازپس گرفتن سرزمینهایی که به پیامدِ دورِ نخستِ جنگهای ایران و روس از دست داده بودند آغاز کردند).

- در واپسین ماه های جنگی که به فرجامِ آن قرارداد ترکمانچای بسته شد، جایگاه نیروهای دو کشور چه بود؟

نیروهای روس همچنان به پیش می رفتند و آهنگِ فروگرفتن پایتخت، تهران، را داشتند.

پس چه راهکارِ دیگری در دسترس بود، جز آتش بس و پذیرفتن آنچه که تا آن دم روی داده بود؟

از گفتن و باز گفتنِ روسِ منحوس در دو سده گذشته چه سود؟